

از زمین‌های خاکی لشکر آباد تا بازی در کینگ پاور با «حسین کعبی»:

بازی با پرتغال باید ۵۰ بار اخراج می‌شدم؛ رونالدو را بدتر از فیگو زدم

■ مدافع سابق تیم ملی فوتبال ایران با بیان اینکه در دیدار تیم ملی برابر پرتغال باید ۵۰ بار اخراج می‌شدم، گفت: لوئیس فیگو الگویم بود و تنها حسرت من در زندگی این است که نتوانستم با این بازیکن تعویض پیراهن کنم.

گروه ورزشی - حسین کعبی یکی از فوتبالیست‌های ملی پوش ایران در دهه ۸۰ بود. بازیکنی که به خاطر خطاهای شدید در بازی ایران و پرتغال در جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان در خاطر فوتبال‌دوستان باقی مانده است. این بازیکن که یکی از جوان‌ترین فوتبالیست‌های تاریخ تیم ملی محسوب می‌شود، در مورد مسائل مختلف از جمله خاطراتش از جام جهانی ۲۰۰۶، انتقال به فولاد امارات و انگلیس و خیلی از مسائل دیگر صحبت کرد.

آنچه که در زیر می‌خوانید، متن کامل این گفت‌وگوست:

فوتبال را از کجا آغاز کردی؟

من هم مانند خیلی از فوتبالیست‌های

دیگر، فوتبال را از زمین‌های خاکی اطراف لشکر آباد اهواز آغاز کردم. در آن منطقه همه فوتبال‌دوست بودند و در نهایت هم به سمت فولاد آمدم و به تیم ملسی رده‌های پایه هم رسیدم.

چه شد که به تیم اصلی فولاد رسیدید؟

با تیم جوانان ایران اردویی را در اهواز داشتیم که وینگو بگوویچ مربی وقت فولاد خوزستان من را دید و به تیم اصلی آورد.

در همان سال‌های نخست هم موفق شدید قهرمان لیگ برتر شوید؟

فولاد آن سال دست به جوانگرایی زده بود. بیشتر نفرات هم از قشر ضعیف جامعه بودند و می‌خواستیم پیشرفت کنیم. همین تشنگی برای موفقیت، عملی شد برای اینکه فولاد به موفقیت برسد.

به السد قطر رفتی اما چرا زود به اهواز و فولاد بازگشتی؟

من به شدت به خانواده وابسته بودم و دور از آنها نمی‌توانستم فوتبال بازی کنم. این موضوع به شدت در فوتبالم تاثیر داشت.

با وجود اصرار فطری‌ها منی بر ادامه همکاری اما به فولاد برگشتم و در این تیم ماندم.

دوباره پس از آن به امارات رفتی؟

باید برای بهتر شدن تصمیماتی را می‌گرفتم که به نفع باشد اما بر عکس شد و جایگاهم در تیم ملی به خطر افتاد.

به همین خاطر در آن مقطع محمدحسن انصاری فردمدیرعامل پرسپولیس هنگامی که به امارات آمد، با او دیداری داشتم و حضورم در پرسپولیس را نهایی کردم تا با



کسک این تیم بتوانم پیراهن تیم ملی را پس بگیرم.

چه شد که به لسترسیتی رفتی؟

پس از جام جهانی پیشنهادات زیادی را دریافت کردم که از کشورهای آلمان، انگلیس و قطر بود.

با وجود اینکه جبه بدنی کوچکی داشتم اما به خاطر هیجان و درگیری بالا در لیگ برتر انگلیس لستر را به عنوان تیمم انتخاب کردم، اما با بدشانسی مواجه شدم.

چه اتفاقی افتاد؟

در ابتدای حضورم نمی‌دانم چرا مسوولان وقت باشگاه پرسپولیس مجوز بازی‌ام را برای لستر صادر نمی‌کردند و مرسی خیلی من را دوست داشتند و به طور مداوم پیگیر کار من بودند. بعد از چندین هفته از من بازی گرفت. در آن تیم موفق هم بودم و حتی به رده دوم جدول لیگ هم رسیدیم.

پس چرا همکاری شما با لستر ادامه‌دار نشد؟

در آن مقطع مربی لستر من را خیلی دوست داشت. همان زمان از سوی باشگاه به مربی فشارهای را آوردند که یک بازیکن ۳۵ ساله را بدون تست جذب کند اما او زیر بار این موضوع نرفت و عوض شد.

مربی جدید هم شناختی از من نداشت و بازی دادن به یک بازیکن آسیایی برای او سخت بود هر چند می‌توانستم در همان سطح و فوتبال اروپا بمانم اما همان ترس همیشگی این اجازه را به من نداد.

کدام ترس؟

ترس از دست دادن پیراهن تیم ملی. در آن مقطع مهم نبود که عضو کدام تیم هستی؛ اگر بازی نمی‌کردی جایی در تیم ملی نداشتی.

چرا دوباره به پرسپولیس بازگشتی؟

چند وقتی بود در لستر نیمکت نشین بودم. نمی‌توانستم به تیمی بروم که دوباره ریسک کرده باشم چرا که جایگاهم در تیم ملی به خطر می‌افتاد. پرسپولیس هم تیم خوبی بود و در نهایت پس از بررسی به این تیم بازگشتم.

پیشنهادی هم از سایر تیم‌ها داشتی؟

از چند کشور پیشنهاداتی بود اما همان سال استیل آذین که در لیگ دسته اول بازی می‌کرد یک پیشنهاد به شدت و سوسه انگیزه را به من ارائه داد.

پیشنهاد استقلال و ذوب آهن هم خوب بود اما در نهایت برای ماندن در تیم ملی به پرسپولیس رفتم.

به سراغ تیم ملسی برویم. یکی از جوان‌ترین بازیکنان تاریخ تیم ملی هستی؟

من عاشق تیم ملی بودم و همیشه تیم ملی برایم اولویت داشت. از همان سنین کودکی هم به دنبال پوشیدن پیراهن تیم ملی بودم و در ۱۶ سالگی توانستم به این هدف برسم. خودم برای رسیدن به پیراهن تیم ملی، فوتبالی تلاش کردم و از هیچ تلاشی هم دریغ نکردم.

۸۴ بازی ملی در کارنامه داری؟

این آمار اشتباه است. من ۹۴ بازی ملی دارم و از نظر پوشیدن پیراهن تیم ملی در بین ۷ بازیکن بالا قرار دارم.

برای من افتخاری است که بعد از بزرگانی مانند جواد نکونام، علی دایی و خیلی از اسطوره‌های دیگر نام من هم قرار دارد.

بهترین بازی‌ای که برای تیم ملی انجام دادی کدام مسابقه بود؟

در تمام بازی‌هایی که برای تیم ملی انجام دادم، عملکردم بسیار خوبی داشتم. در آن سال‌ها بازیکنان خیلی خوبی در تیم ملی حضور داشتند.

وقتی در خط جلوی من، مهدی مهدوی کیا بازی می‌کرد آرامش خاصی داشتم. در این مدت تنها یک بازی مقابل کره شمالی که بدون هوادار در ورزشگاه آزادی برگزار شد، بازی نکردم.

خوبی‌ها تیم ۲۰۰۶ را با تیم ۱۹۹۸ مقایسه می‌کنند. از دید تو کدام تیم طلائی‌تر بود؟

از دید من طلائی‌ترین دوران تیم ملی ما بودیم. در هر پست چندین و چند ستاره بازی می‌کردیم. بازیکنان زیادی در اروپا داشتیم و واقعاً نسل طلائی بودیم. مهدی مهدوی‌کیا، علی کریمی، جواد نکونام، فریدون زندی، سهراب بختیاری‌زاده همه و همه ستاره بودند. در هر مسابقه ورزشگاه

پس از آن زمان رسیدن به پیراهن تیم ملی سخت‌تر بود یا الان؟

به طور حتم الان به مراتب راحت‌تر است. من در لستر بازی می‌کردم ترس از دست دادن پیراهن تیم ملی را داشتم اما شما الان را نگاه کنید.

در حال حاضر بازیکنان خیلی خوبی داریم اما در آن مقطع در هر پست تیم ملی چندین ستاره بسازی می‌کردند و باید می‌جنگیدی تا این پیراهن را بپوشی.

الگوی فوتبالی‌ات که بود؟

من فیگو را خیلی دوست داشتم. بعد از برخوردی که او بعد از بسازی با پرتغال با من یک بار هم علاقه‌ام را به خود چندین برابر کرد. بزرگ‌ترین حسرت فوتبالی‌ام را هم البته رقم زد.

فیگو؟ چگونه؟

من عاشق فیگو بودم و دوست داشتم پیراهنش را بگیرم. در فوتبال به همه چیز رسیدم اما اینکه پیراهن فیگو را نگرفتم یکی از بزرگ‌ترین حسرت‌های من را رقم زد.

پس از آن دیدار هم یک بار فیگو به ایران آمد. چرا آن زمان پیش او نرفتی؟

متأسفانه دوستان من را دعوت نکردند. من هم گفتم اشکالی ندارد.

هر چند خیلی دوست داشتم فیگو را در آنجا ببینم و حداقل آنجا با هم تعویض پیراهن می‌کردیم.

با اضافه وزن به فوتبال بازگشتی؟

بله. حتی شرایطم به نحوی بود که رویم نمی‌شد تا در رختکن تیم جلوی سایر بازیکنان لباس عوض کنم.

نظر محمدی هم خیلی هوشمندانه و ابتدا برای دقیق کوتاه از من بازی گرفت و سپس رفته رفته به بازیکن اصلی تیم تبدیل شدم.

بحث مربی‌گری شما در سپیدرود هم مطرح شد.

بله. البته چون ۲ سال بسازی نکردم و از شرایط فیزیکی مطلوبی هم برخوردار نبودم خیلی‌ها فکر کردند من به عنوان مربی به سپیدرود آمدم.

کل لیگ برتری شدن سپیدرود را هم تو زدی؟

خدا دوستم داشت. چهار پناالی زن اول

سپیدرود مشخص بودند. من هم از پناالی زدن هراس داشتم. اما پویا نزهتسی که در غیاب دو بازیکن دیگر پناالی زن اول بود، توپ را ول کرد.

ورزشگاه پر بود و هر کسی نمی‌توانست در آن شرایط پناالی بزند. تیم بعد از ۴۰ سال در آستانه لیگ برتری شدن بود.

من ناخودآگاه به سمت توپ رفتم تا پناالی را بزنم. همه گفتند اجازه ندهید حسین پناالی بزند. می‌دانستم که اگر آن پناالی خراب شود، جنازه‌ام هم از ورزشگاه بیرون نخواهد رفت.

من پشت توپ رفتم چشم‌ام را بستم و محکم شوت زدم. خواست خدا و کمک امام رضا (ع) بود که آن توپ گل شد.

چرا از پناالی زدن هراس داشتی؟

می‌ترسیدم. به جز یوسان که مجبور بودم، در هیچ جا پناالی نزدم و اصلاً بلد هم نیستم. به همین خاطر می‌ترسیدم اما خواست خدا بود در سپیدرود، آن پناالی تبدیل به گل شد.

از استقلال هم پیشنهاد داشتی؟

تمام خانواده ما استقلالی بودند. استقلال ۳ بار به من پیشنهاد داد. ۲ بار در اوج فوتبالم و یک بار هم زمانی که در استقلال خوزستان بودم اما اعتبارم برای من از همه چیز مهم‌تر بود و با بررسی شرایط هر بار به این تیم پاسخ منفی دادم.

فکرش را می‌کردی در سپیدرود از فوتبال خداحافظی کنی؟

سپیدرود تیم خوب و ریشه‌داری بود. من برای هر کاری مشورت می‌کردم و در نهایت هم با مشورت دوستانم تصمیم گرفتم خداحافظی کنم.

در مجموع در مورد سن تو حاشیه‌های زیادی وجود داشت؟

همیشه برخی افراد دنبال ایجاد حاشیه بودند.

فوتبالی که نمی‌توانستند برای من حرف و حدیث درست کنند، بحث سنم را وسط می‌کشیدند.

همان زمان صحبت‌هایی مطرح شد که تو با شناسنامه برادر یا پسر عمویت فوتبالی بازی می‌کردی. درست است؟

پسر عمو که ندارم. ما در خانواده‌مان ۱۴ بچه هستیم که من از همه کوچک‌تر هستم. چگونگی من می‌شود در این شرایط با شناسنامه یکی دیگر بازی کنم. شایعات خیلی خنده‌دارتری هم خودم شنیدم.

چه شایعاتی؟

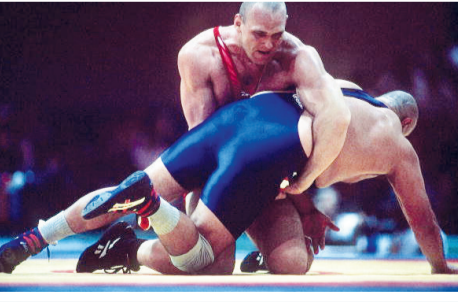
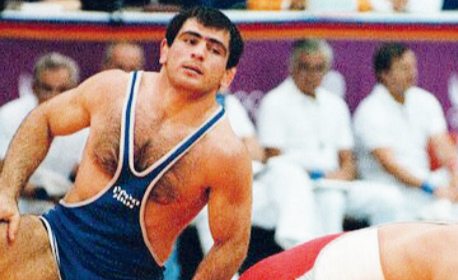
مثلاً اینکه با شناسنامه خواهرم بازی کردم!

در پایان اگر حرفی دارید بفرمایید.

من در فوتبال به همه چیز رسیدم و امیدوارم این مسیر در مربیگری‌ام هم طی شود. از باشگاه فولاد تشکر می‌کنم که این فرصت را به من داد تا در این تیم مشغول فعالیت شوم.

اسطوره کشتی جهان در دهه ۹۰ میلادی

گروه ورزشی - اتحادیه جهانی کشتی از الکساندر کارلین، بروس بومگارتنر، ماخاریک خادراتسف، حمزه یرلی کایا و جام اسمیت را به عنوان اسطوره برتر کشتی جهان در دهه ۱۹۹۰ میلادی نام برد. کشتی جهان در دهه ۹۰ میلادی سال‌هایی فراموش نشدنی را پشت سر گذاشت. در دهه ۹۰ اتحاد جماهیر شوروی موفق‌ترین کشور در جهان بود تا جایی که توانست در ۲۰ وزن بازی‌های المپیک ۱۹۹۲ بارسلونا به ۱۶ مدال برسد. بیش از ۴۰۰ کشتی‌گیر از ۷۵ کشور در بازی‌های المپیک ۱۹۹۶ آتلانتا به رقابت پرداختند. برگزاری رقابت‌های کشتی در ۲۰ وزن برای آخرین بار در المپیک آتلانتا اجرا شد و پس از آن اوزان کشتی در المپیک کاهش یافت.



در دهه ۹۰ میلادی افسانه‌هایی همچون الکساندر کارلین و بروس بومگارتنر موفقیت‌های خود را تحمیک بخشیدند و نابغه‌ای به نام بوایسار سانیف نیز بزرگی خود در کشتی جهان را آغاز کرد.

الکساندر کارلین (روسیه)

تقریباً غلبه بر الکساندر کارلین غیرممکن است. "خرس روس" دوره‌ای بی‌نظیر ۱۳ ساله را در کشتی فرنگی پشت سر گذاشت و شش سال در تمامی رقابت‌ها هیچ امتیازی از دست نداد. او هیچگاه در رقابت‌های قهرمانی جهان شکست نخورد.

کارلین ۸ طلا از ۹ مجموع ۹ طلای قهرمانی رقابت‌های جهانی، ۲ طلا از ۳ طلای المپیک و ۹ طلا از ۱۲ طلای قهرمانی اروپا را در دهه ۹۰ از آن خود کرد.

اتحادیه جهانی کشتی وی را به عنوان بزرگ‌ترین فرنگی کار قرن بیستم معرفی کرده است.

بروس بومگارتنر (آمریکا)

اسطوره سنگین وزن کشتی آزاد جهان و بهترین کشتی‌گیر آمریکا تاکنون. او ۱۳ مدال جهانی و المپیک گرفت.

بومگارتنر اولین کشتی‌گیر آمریکایی بود که موفق به کسب ۴ مدال المپیک شد. او توانست در ۲ المپیک ۱۹۸۴ و ۱۹۹۲ به ۲ مدال طلای پا ارزش برسد، در المپیک ۱۹۸۸ نقره گرفت و در المپیک ۱۹۹۶ نیز به مدال برنز رسید.

نام او در تالار مشاهیر ورزش آمریکا و اتحادیه جهانی کشتی نیز به ثبت

قابل توجه کیشوندان محترم

بولینگ مریم بارعایت ضوابط شورای سلامت جزیره همه روزه از ساعت ۱۰ صبح یکسره باز است.

آنچه در مورد کروناویروس، آنفلوآنزا، سرماخوردگی باید بدانید

آیا علائم و نشانه ابتلا به بیماری‌های تنفسی را می‌شناسید؟

کولدرد و سرفه

تب

سردرد

خستگی

بدن درد

آبریزش بینی

دفتر امور ارتباط با رسانه مرکز بهداشت عمومی و بهداشت حرفه‌ای و ایمنی و بهداشت، تهران
مرکز ارتباط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

behdasht.gov.ir | iec.behdasht.gov.ir